

تأثیر مهدکودک

در رشد مفاهیم ذهنی کودکان

کردن در فعالیت‌های معمولی آن، دشواری‌های عمیق عاطفی را از میان نمی‌برد. پاره‌ای از تحقیق‌ها نشان می‌دهد، چنانچه مربی مهدکودک به‌طور انفرادی با کودک کار کند، تأثیر چشمگیری در کاهش واکنش‌های غیرعادی او و تقویت پاسخ‌های مطلوب ظاهر می‌شود. در واقع، نقش درمان‌کنندگی مربی مهدکودک تقویت برخی از پاسخ‌های طفل و خاموش کردن رفتارهای نامطلوب دیگر است که طبق اصول فرضیه یادگیری قرار دارد. گرچه این روش به وسیله مربی مهدکودک قابل اجراست. ولی اغلب در عمل اجرای آن دشوار است. زیرا هر مربی در مهدکودک مسئول تعدادی از اطفال است و فرصت کار انفرادی با

تعلیم و تربیت انفرادی سبب می‌شود هوش و استعداد اطفالی که در محیط‌های مناسب پرورش نیافته‌اند، ازدیاد یابد. تحقیق نیز نشان می‌دهد، محیط مهدکودک می‌تواند برای کودکان طبقات پائین اجتماع بسیار مؤثر باشد. در مورد اطفالی که از طبقات متوسط یا بالاتر اجتماع هستند، تأثیر مهدکودک در رشد مفاهیم ذهنی و ازدیاد استعداد و قوای عقلانی آنان به‌طور دقیق روشن نیست. برخی اعتقاد دارند محیط مهدکودک مؤثر است، اما برخی هم این تأثیر را چشمگیر نمی‌دانند.

**مربی مهدکودک به‌عنوان
درمان‌کننده**

تنها مهدکودک رفتن و شرکت

مهدکودک تا حدود امکان کوشش کردند رفتار پرخاشگرانه را نادیده بگیرند و در مقابل از طریق تشویق و پاداش رفتارهای همکاری و توافق را گسترش دهند. قبل از آغاز تحقیق، میزان پرخاشگری کودکان اندازه‌گیری شد و همین اندازه‌گیری را دو و سه هفته پس از آغاز تحقیق نیز انجام دادند، تا تأثیر تعلیم‌های خاص ملاحظه شود. نتیجه آزمایش نشان داد، روش تشویق و پاداش مؤثر واقع شده و تأثیرهای دائمی نیز برجا می‌گذارد. در هفته دوم از میزان رفتارهای خشونت‌آمیز کلامی و جسمانی کاسته شده و به‌جای آن رفتارهای توافقی و همکاری افزایش یافت. در هفته سوم آزمایش برای مربیان مهدکودک اعجاب‌انگیز بود، زیرا پسران بسیار پرخاشگر، به‌طوری موافق شده و همکاری صمیمانه از خود نشان می‌دادند که هرگز تصور این تغییر برای مربیان امکان نداشت.

یک مربی مهدکودک می‌تواند با به‌کاربردن اصول رفتار درمانی، به افرادی که دارای مشکلات دشوارتر هستند کمک کند.

در دوره دوم کودکی از نظر جسمانی و قوای ذهنی و عقلانی، به تدریج طفل پختگی بیشتری به‌دست می‌آورد و در نتیجه پایه‌های نیرومندتری برای درگیری‌های طولانی‌تر و پیچیده‌تر در او به‌وجود خواهد آمد. به همین

آن‌ها را ندارد. در یک روش درمانی، به طفل تعلیمات مخصوصی داده می‌شود، تا بتواند پاسخ‌های جدیدتری به‌جای رفتار و عادت‌های نامطلوب خودش به‌کار برد. به‌طور مثال، در طی جلسه‌های تعلیم‌های انفرادی خاصی، آستانه تحمل ناکامی طفل را افزایش می‌دهند و به‌جای رفتارهای اتکایی، همکاری و استقلال را در کودک تشویق می‌کنند. مربی می‌تواند با تشویق احساس اطمینان کودک را به فعالیت‌های مؤثرتری هدایت کند.

بار دیگر تأکید می‌کنیم که تغییر رفتار کودکان ضمن جلسه‌های درمان انفرادی امکان‌پذیر است و معلم یا مربی خارج از کلاس با اطفال کار می‌کند. در بعضی موارد، به معلمان تعلیم‌های خاصی در زمینه رفتار درمانی می‌دهند تا در امر تغییر رفتار کودک مؤثرتر واقع شود.

به‌طوری که می‌دانیم، یکی از اصول رفتار درمانی این است که مربی پاسخ‌های مطلوب کودک را تشویق، پاسخ‌های نامطلوب او را منع می‌کند و این کیفیت را در زمین‌بازی یا در کلاس انجام خواهد داد. برای روشن شدن این روش تغییر رفتار، مثالی ذکر می‌کنیم.

در یک تحقیق، هدف از میان بردن رفتار پرخاشگرانه اطفال ۴ تا ۵ ساله یک مهدکودک و ایجاد همکاری و توافق میان آن‌ها بود. برای انجام این کار، معلمان

ترتیب، درک و فهم طفل به واسطه پختگی و وسعت تجربه‌های اجتماعی او گسترش می‌یابد. کودک به‌طور تدریجی متوجه می‌شود چه رفتارهایی از نظر اجتماعی مقبولیت دارد و کدام رفتارها را نباید انجام بدهد.

تأثیر همسالان و روابط با آنها:

معلمان و مربیان تنها عواملی نیستند که طفل در مهدکودک با آنها تعامل دارد. همسالان کودک نیز عواملی برای اجتماعی شدن او هستند. آنها بدون اینکه بخواهند برخی از رفتارهای طفل را تقویت می‌کنند، الگوهای برای تقلید و همانندسازی او می‌شوند و در نتیجه سبب تغییر و تعدیل رفتارهای کودک می‌شوند. تأثیر همسالان در رشد شخصیت و رفتار طفل پس از تأثیر والدین مقام دوم را دارد.

همسالان با سرمشق شدن برای یکدیگر، تقویت یا تنبیه رفتار و تفسیر رفتار در یکدیگر تأثیر می‌گذارند. گروه همسالان مهارت‌های اجتماعی مهم را طوری به یکدیگر می‌آموزند که بزرگسالان قادر به انجام آن نیستند، در دوران بعدی کودکی همسالان می‌توانند به یکدیگر در حل مسائل شخصی و اضطراب‌ها یاری کنند. گاهی کودکان همسالان خود را سرمشق‌هایی مناسب‌تر از بزرگسالان می‌دانند.

همسالان از عوامل مهم در تقویت

رفتار پرخاشگرانه یا رفتار جامعه‌پسند نیز محسوب می‌شوند. هرچند غالب کودکان رفتار پرخاشگرانه را تأیید نمی‌کنند، اغلب، آن‌را از طریق اعمالشان تقویت می‌کنند. همسالان می‌توانند پرخاشگری را از طریق سرمشق‌گیری و نیز تقویت آموزش دهند. واکنش‌های جامعه‌پسند مانند رفتار دوستانه، بخشش و مشارکت نیز از طریق تقویت همسالان و سرمشق‌گیری آموخته می‌شود. تقویت همسالان به‌خصوص در مورد رفتارهای الگویابی جنسیتی مؤثر است. در ضمن همسالان می‌توانند در نقش معلمانی کارآمد برای آموزش موضوع‌های درس، مؤثر و برای ترویج عادت به مطالعه سرمشق باشند.

بسیاری از متخصصان پیشنهاد می‌کنند که حداقل معیارهای مربوط به نسبت بزرگسالان و کودکان، فضا و بهداشت از سوی دولت فراهم شود تا اطمینان حاصل شود که عناصر اصلی مراقبت از کودک تأمین می‌شود. شواهد بسیاری نشان می‌دهد که کیفیت مراقبت از کودک تأثیرهای طولانی‌مدت دارد و همین نمایانگر اهمیت فراهم کردن سرمایه‌ی کافی و ایجاد خط‌مشی‌های مؤثر برای اطمینان از کیفیت مراقبت از فرد کودک است.

برگرفته از: مبانی نظری و عملی مصون‌سازی کودکان در برابر خطرات مصرف مواد اعتیادآور در دوران نوجوانی